

نگاهی به حیوانات در متون دینی

ابراهیم کریمی

حیوانات، بخش عظیمی از موجودات زنده جهان را تشکیل می‌دهند. حیوانات با ساختمانهای مختلف و اشکال گوناگون و تنوع فراوان، و شگفتیهای عظیم، توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کنند و مطالعه درباره هر یک از آنها، انسان را به علم و قدرت بی‌پایان آفریننده آنها آشنا می‌سازد.

در این نوشتار نخست به اهمیت و تعریف حیوان و سپس به جایگاه حیوانات در قرآن کریم، اشاره می‌شود.

اهمیت و ارزش حیوانات

اهمیت و ارزش حیوانات با نیمی نگاهی به روایات اسلامی، روشن می‌شود. پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - می‌فرماید:

«نعم المال الشاة»^۱

«چه خوب ثروتی است گوسفند (دام داری).»

«الغنم عزّ لاهلها»^۲

۱ - بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۱۲۹.

۲ - همان، ص ۱۳۴.

«گوسفند مایه سربلندی دام دار است.»

«ما بعث الله نبياً الا راعى الغنم.»^۱

«خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، جز این که [بخشی از عمرش]

چوپان بود.»

«چهار پایان سالم را سوار شوید و آنها را سالم نگه دارید و کرسی خطابه و

صحبت‌های خود در کوچه‌ها و بازارها قرار دهید؛ زیرا بسا مرکوبی که از

سواره اش بهتر است و بیشتر از او به یاد خدا تبارک و تعالی است. نگه

داری و پرورش مرغ و خروس را در خانه هایتان بیشتر رونق ببخشید.»^۲

اهمیت چهار پایان از چنین احادیثی به دست می‌آید و به تعبیر قرآن ﴿فیها

منافع کثیرة﴾^۳

از جمله تغذیه، لباس، تجارت و...

تعریف حیوان

حیوان یا جانور، هر یک از افراد گروهی از موجودات زنده که بر خلاف رستنیها،

قادر به حرکت خود به خود هستند و در مقابل، محرکهای داخلی یا خارجی پاسخ

سریع حرکتی از خود نشان می‌دهند. به تعبیر علمی، جانور سازواره زنده‌ای است

که ولو سطر هم که باشد حرکت کما بیش ارادی دارد و خوراک جامد را (که مشتمل

بر مواد پروتئینی مشتق از حیوانات دیگر یا از گیاهان است) پیش از آن که جذب

بدنش شود، می‌بلعد و هضم می‌کند و فاقد کلروفیل و وسیله فوتوسنتز است.^۴

۱ - همان، ص ۱۱۷.

۲ - همان، ج ۶۲، ص ۲.

۳ - سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۲۱.

۴ - دائرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۷۲۴.

جایگاه حیوانات در قرآن کریم

یکی از مسائلی که در قرآن کریم در مسیر هدایت انسانها و نکته آموزی و عبرت اندوزی بدان پرداخته، توجه ویژه این کتاب آسمانی به حیوانات، اعم از چهار پایان، پرندگان، حشرات و غیره است. بخش عظیمی از آیات قرآنی را بیان آفرینش، نحوه زندگی، خصوصیات، احکام بالخصوص منافع حیوانات تشکیل می‌دهد.

عنایت قرآن کریم به حیوانات اهلی کشاورزی به حدی است که در آیات زیادی به آنها سوگند یاد کرده و یا تعدادی از سوره‌ها به اسامی حیوانات نام گذاری شده است.^۱ به طور کلی، اسامی حیوانات در ۵۲ سوره قرآن کریم و ۱۵۴ آیه یاد شده است^۲ که این نشان دهنده عمق مسئله و ارجمندی و منزلت آن است.

یاد کرد حیوانات و توجه ویژه به آنها در اندیشه بشر بالخصوص دانشمندان بزرگ از دیرباز بوده است، به عنوان مثال، کتاب الحيوان ارسطو و «ذیمقراطیس» و ابوعلی سینا را می‌توان نام برد.

اهداف این بزرگان نیز همانند کتاب خالق هستی از طرح چنین مسئله (حیوان شناسی)، دادن درسهای خداشناسی و یکتا پرستی از طریق بیان شگفتیهای نهفته در آفرینش حیوانات بوده است، و بی شک این مقاله نیز همین اهداف بلند را دنبال خواهد کرد.

در یک تقسیم بندی کلی، تمام حیواناتی را که در قرآن کریم از آنها ذکری به میان آمده است، به گروه‌های زیر می‌توان تقسیم کرد:

- ۱- حیوانات اهلی، مثل گاو، گوسفند، بز و شتر؛
- ۲- حیوانات وحشی، مثل گرگ، شیر، فیل، آهو و سگ؛

۱- بقره (گاو)، انعام (چهارپایان)، نحل (زنبور عسل)، نمل (مورچه)، عنکبوت، فیل.
۲- نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن کریم، تقی متقی، ص ۸.

۳- پرندگان، مثل کلاغ، هدهد، بلدرچین؛

۴- حشرات، مثل زنبور عسل، مورچه، ملخ؛

۵- آبزیان، مثل انواع ماهیان کوچک و غول پیکر.^۱

شگفتیهای جهان حیوانات

جهان حیوانات مملو از اسرار و شگفتیها است. از این رو با رعایت اختصار به چند قسمت آن اکتفا می‌شود:

۱- رام شدن حیوانات

قابلیت برای اهلی شدن حیوانات، یک مساله بسیار مهم و اعجاب آور است، برای پی بردن به اهمیت هر نعمتی، باید حالتی را که در فرض از دست رفتن آن، حاصل می‌شود، مورد توجه قرار داد.

اگر امروز حیوانات اهلی مبدل به حیوانات وحشی شوند، "شتر" مانند یک پلنگ حمله کند و با آرواره های نیرومندش انسانها را پاره نماید، و "گاو" شاخ بزند، و اسبها با لگد، پشت و پهلوئی کسانی را که به آنها نزدیک می‌شوند بشکنند، آن وقت است که نه تنها این گله گوسفندان و شتران و گاو ها، سرمایه موجودی محسوب نمی‌شوند، بلکه باید برای نجات از شر آنها به هر وسیله نابود کننده ای متوسل شویم و عطایشان را به لقایشان ببخشیم. در حال حاضر نیز گهگاه، این حیوانات رام و سر به زیر خشمگین و خطرناک می‌شوند، فیلها یاد هندوستان می‌کنند، شترهای عصبانی به صاحبان خود حمله ور می‌شوند، و اگر کمی غفلت شود، ممکن است به نابودی آنها منتهی شود. گویی خدا می‌خواهد نشان دهد که اگر من فرمان تسلیم و خضوع را از آنها بگیرم، ببینید به چه صورتی در می‌آیند! قرآن با تعبیرهای مختلفی از این واقعیت یاد کرده است، گاه می‌فرماید:

﴿وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ﴾^۱

«ما آنها را ذلیل (و رام) انسانها ساختیم»

گاه می فرماید:

«هنگامی که سوار بر چهار پایان می شوید بگویید: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ

لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مَقْرِنِينَ﴾^۲: «منزه است خداوندی که این را برای ما

تسخیر کرد و ما توانایی آن را نداشتیم.»

ختی در روایتی در ذیل همین آیه آمده که پیامبر - صلی الله علیه وآله -

هنگام سوار شدن، آیه الکرسی می خوانده و بعد از آن استغفار می کرده است.^۳

در توحید مفضل نیز به این نکته اشاره شده، و بعد از بیانات خلقت

چهارپایان می فرماید:

«ثم منعت الذهن و العقل لتذلل للانسان فلا تمتنع عليه اذا اكدها الكد

الشدید و حملها الحمل الثقیل.»

«سپس خرداوند عقل و هوش را از چهارپایان برداشت تا تسلیم و رام

انسان شویند، و هنگامی که زحمات شدید و بارهای سنگین بر آنها تحمیل

می گردد، سیر پیچی نکنند.»

البته بعضی از حیوانات مانند گاو و پلنگ باید شدیداً از آنها پرهیز کرد و گاه

با مختصر غفلتی صاحبان خود را می درند.^۴

۲- هوش و شعور حیوانات

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّمٌ أَنْتَ لَكُمْ﴾^۵

«هیچ جنینده ای در زمین و پرنده ای که با دو بال خود می پرد نیست مگر

۱ - سوره یس (۳۶) آیه ۷۲.

۲ - سوره زحرف (۴۳) آیه ۱۳.

۳ - تفسیر قمی، علی بن ابراهیم، ج ۲، ص ۲۵۵.

۴ - بحار الانوار، ج ۳، ص ۹۱.

۵ - سوره انعام (۶) آیه ۳۸.

این که آنها نیز مانند شما (انسان ها) گروه هایی هستند....»

بعضی از مفسران^۱ معتقدند که منظور از شباهت حیوانات با انسان ها، از لحاظ درک و فهم و شعور است. یعنی آنها نیز در عالم خود دارای شعورند گرچه از نظر فکری در سطح پایین تری نسبت به انسان قرار دارند.

علامه طباطبایی می نویسد:

«تفکر عمیق در اطوار زندگی حیواناتی که ما با آنها سر و کار داریم، و در

نظر گرفتن حالات مختلفی که هر نوع از انواع این حیوانات در مسیر

زندگی به خود می گیرند ما را به این نکته واقف می سازد که حیوانات مانند

انسان دارای آرا و عقاید فردی و اجتماعی هستند.»^۲

بسیاری از ما دیده ام که وقتی گله گوسفندان از صحرا باز می گردند نزدیک

آبادی که می رسند هر کدام از آنها با سرعت تمام از پیچ و خمهای کوچه های ده

می گذرد و بدون اشتباه به خانه صاحب خود می رود.

نیز دیده ایم که هیچ حیوانی اجازه نمی دهد غیر از نوزاد خودش از پستان

خود بنوشد، و هنگامی که در تاریکی شب نوزادان را رها می کنند و وارد گله آنها

می شوند هر نوزادی به سراغ مادر خود می رود، و مادر بعد از شناخت او آماده شیر

دهی می شود، و این شناخت تنها از طریق "بوییدن" صورت می گیرد، و این به آن

معنی است که به تعداد جانوران جهان بوهای مختلف دارند، و هر حیوانی بوی

نوزاد خود را از میان این بوها تشخیص می دهد!^۳

بیشتر جانوران علاوه بر زبان خصوصی که دارند، دارای یک زبان همگانی

هستند که به کمک آن، زبان یکدیگر را می فهمند، و به کمک همین زبان است که

کلاغها هنگام احساس خطر، با صدای مخصوص به حیوانات دیگر هشدار می

دهند تا هر چه زودتر از منطقه خطر بگریزند، این حیوانات در واقع

۱ - مجمع البیان، طبرسی، ج ۴، ص ۴۸ - ۴۹.

۲ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۷۳ - ۸۳.

۳ - پیام قرآن، ج ۲، ص ۲۲۲.

جاسوسان جنگلند.

زیست شناسان در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که حشرات بعد از انسانها، از سیستم ارتباطی تکامل یافته‌ای برخوردارند، به ویژه مکالمه و سیستم مخابراتی زنبورها، عجیب‌ترین و کم نظیر ترین آنها است.^۱

۳- حشر حیوانات

در ادامه آیه مذکور می‌فرماید:

﴿ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُخْشَرُونَ﴾^۲

«همگی به سوی پروردگار خود محشور می‌شوند.»

در واقع، این بحث نیز ادامه بحث شعور حیوانات است. چون شکی نیست که نخستین شرط حساب رسی و جزا، داشتن شعور است، از این رو بیشتر مفسران هم پذیرفته‌اند که تمام انواع جانداران دارای رستاخیزند. از جمله این مفسران، مفسر بزرگ علامه طباطبایی بحث مبسوطی را در مورد شعور حیوانات و به دنبال آن حشر حیوانات در ذیل این آیه مرقوم می‌کند، می‌افزاید:

«اجتماعات حیوانی هم مانند اجتماعات بشری ماده و استعداد پذیرفتن دین الهی در فطرتشان وجود دارد، همان فطریاتی که در بشر سرچشمه دین الهی است و وی را حشر و بازگشت به سوی خدا قابل و مستعد می‌سازد، در حیوانات نیز هست.»^۳

ایشان در آخر این بحث می‌نویسد:

«وقتی صحیح باشد که بگوییم: حیوانات هم تا اندازه‌ای خالی از معنای اختیار نیستند و آنها هم از این موهبت سهمی دارند هر چه هم ضعیف

۱ - همان، ج ۲، ص ۴۲۳.

۲ - سوره انعام (۶) آیه ۳۸.

۳ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۷۳.

باشد، چرا صحیح نباشد احتمال دهیم که خدای سبحان حد متوسط از همین اختیار ضعیف را ملاک تکالیف مخصوصی قرار دهد که مناسب با افق فهم آنان باشد، و ما از آن اطلاعی نداشته باشیم و یا از راه دیگری با آن‌ها معامله مختار بکند و ما به آن معرفت نداشته باشیم، و خلاصه راهی باشد که از آن راه پاداش دادن به حیوان مطیع و مؤاخذة و انتقام از حیوان سرکش صحیح باشد، و جز خدای سبحان کسی را بر آن راه آگهی نباشد؟^۱

علاوه بر آن، پاره‌ای از روایات اسلامی که در تفاسیر^۲ آمده بر رستاخیز حیوانات دلالت دارد. گذشته از اینها آیه ﴿وَإِذَا الْوَحُوشُ حَشَرَتْ﴾؛ «هنگامی که وحوش (و طیور) محشور شوند» واضح‌ترین دلیل بر مدعا است.

منافع حیوانات

در برخی از آیات قرآن کریم^۳ درباره منافع و بهره‌مندی‌های حیوانات برای انسان سخن گفته است. به عنوان نمونه به چند مصداق بهره‌مندی انسان از حیوان اشارت می‌شود:

۱- رفع نیازهای غذایی

در قرآن کریم در آیه‌های زیر به استفاده انسان از چهارپایان به عنوان سواری یا پوشش و غذا اشاره شده است:

«خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید و از بعضی تغذیه کنید.»

۱- همان.

۲- مجمع البیان، طبرسی، ذیل آیه؛ تفسیر البرهان، ذیل آیه.

۳- سوره نحل (۱۶) آیه ۵؛ سوره مومنون (۲۳) آیه ۲۱؛ سوره یس (۳۶) آیه ۷۳؛ سوره غافر (۴۰) آیه ۸۰.

﴿والانعام خلقها لكم فيها دَفٌّ و منافع و منها تأكلون﴾^۱

«چهار پایان را آفرید، در حالی که در آنها، برای شما وسیله پوشش و منافع دیگری است و از گوشت آنها می‌خورید.»

قرآن کریم در جایی دیگر به استفاده انسان از غذاهای دریایی اشاره کرده است:

﴿وهو الذی سخر البحر لتأكلوا منه لحمًا طرياً...﴾^۲

«او کسی است که دریا را مسخر [شما] ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید.»

خداوند در جایی دیگر، علاوه بر استفاده انسان از گوشت حیوانات، با تعبیر زیبا، به استفاده از شیر دام‌ها نیز اشاره کرده است:

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ﴾^۳

«در وجود چهار پایان برای شما (درسهای) عبرتی است، از درون شکم آنها از میان غذاهای هضم شده، و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم.»

استاد مکارم شیرازی می‌نویسد:

دانشمندان می‌گویند: برای این که یک لیتر شیر در پستان حیوان تولید شود باید در حدود پانصد لیتر خون از این عضو عبور کند تا مواد لازم برای آن یک لیتر شیر از خون گرفته شود! و برای تولید یک لیتر خون نیز در عروق باید مواد غذایی زیادی از روده‌ها بگذرد، و اینجاست که مفهوم ﴿من بین فرث و دم﴾ روشن می‌شود.^۴

۱ - سوره نحل (۱۶) آیه ۵.

۲ - سوره نحل (۱۶) آیه ۱۴.

۳ - سوره نحل (۱۶) آیه ۶۶.

۴ - پیام قرآن، ج ۲، ص ۴۰۹.

علامه طبرسی در ذیل همین آیه از سخن ابن عباس می نویسد:
 «پس از قرار گرفتن علوفه و گیاه در معده حیوان، عملیات بهت آور
 دستگاه شگفت انگیز گوارش، از بخش زیرین آن "سرگین" و از بخش
 میانی آن "شیر" و از بخش فوقانی آن "خون" ساخته می شود و شگفت
 این جاست که شیر به طور خالص و ناب به سوی پستان ها، خون به سوی
 رگها، و مواد زاید و غیر قابل مصرف به سوی خارج از بدن، هدایت
 می شود.»^۱

روایتی از پیامبر اکرم نقل شده که می فرماید:

«هنگامی که یکی از شما غذایی میل کردید بگویید:

"اللهم بارک لنا فیه و اطعمنا خیراً منه".

اما هنگامی که شیر می نوشید بگویید "اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه" چرا

که من غذاها و نوشیدنی ها را مفیدتر از شیر نمی دانم.»^۲

این روایت، بیانگر آن است که شیر دارای خواص غذایی و هم خواص

نوشیدنی است و نه فقط برای رفع تشنگی مفید است بلکه برای رفع گرسنگی نیز
 کاربرد دارد.

استفاده برای سواری

در پاره ای از آیات^۳ به استفاده از حیوانات برای سواری اشاره شده است. در یکی
 از این آیات می فرماید:

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ... وَعَلَيْهَا وَعَلَى
 الْفَلَاحِ تَكْمَلُونَ﴾^۴

۱ - مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۷۴.

۲ - پیام قرآن، ج ۲، ص ۴۱۰.

۳ - سوره غافر (۴۰) آیه ۷۹؛ سوره زخرف (۴۳) آیه ۱۲؛ سوره نحل (۱۶) آیه ۸؛ سوره یس (۳۶)
 آیه ۷۲.

۴ - سوره غافر (۴۰) آیه ۷۹ - ۸۰.

«خداوند است که چهارپایان را برای شما آفرید، تا بر بعضی سوار شوید و

از برخی تغذیه کنید... و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید.»

گرچه جمعی معتقدند که انعام در این آیه تنها به معنی شتران است ولی با توجه به گستردگی مفهوم «انعام» و عدم وجود قیدی در آیه، محدود ساختن آن دلیلی ندارد، به خصوص این که تکرار «منها» نشان می دهد که بعضی از چهارپایان برای سواری مناسباند و بعضی برای تغذیه، در حالی که اگر منظور شتر باشد برای هر دو مناسب است.^۱

البته در بعضی آیات، اسامی بعضی حیواناتی که مورد استفاده سواری قرار می گیرند، آمده است. مانند:

﴿وَالْخَيْلِ (گروه اسبان) وَالْبِغَالِ (قاطر) وَالْحَمِيرِ (الاغ) لَتَرْكَبوهَا...﴾^۲

در برخی آیات نیز به استفاده حیوان برای حمل بار اشاره شده مانند:

﴿وَتَحْمِيلُ أَثْقَالِكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا يَشِقُّ الْأَنْفُسَ...﴾^۳

«آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می کنند که جز با مشقت زیاد

به آن [شهر] نمی رسیدند، خداوند رؤف و رحیم است.»

﴿وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ...﴾^۴

«از چهارپایان، حیوانات باربر [آفرید].»

۳- استفاده نظامی

در قرآن کریم بر تقویت نظامی تاکید شده است و استفاده از حیواناتی نظیر اسب نیز در آن سخن به میان آمده است، مانند:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ

۱ - پیام قرآن، ج ۲، ص ۴۱۹.

۲ - سوره نحل (۱۶) آیه ۸.

۳ - همان، آیه ۷.

۴ - سوره انعام (۶) آیه ۱۴۲.

عَدُوِّكُمْ...»^۱

«هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید و همچنین اسبهای ورزیده [برای میدان نبرد] تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید...»

با توجه به این که مفسران "قوه" را به سلاح معنا کرده^۲ و "رباط الخیل" هم به آن هم به آن عطف شده است، بنابراین، اسب ها نیز به عنوان سلاح مورد استفاده نظامی قرار خواهد گرفت.

۴- استفاده به عنوان پوشش

از موارد دیگر استفاده از حیوانات که در قرآن کریم به آن اشاره شده است، استفاده برای تهیه لباس است که می فرماید:

﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾^۳

علامه طبرسی در ذیل آیه اقوالی در معنای "دِفْءٌ" نقل می کند و می نویسد: «به باور مجاهد» و «ابن عباس» منظور این است که، از آنها پوشش و لباس فراهم می آورید. به باور "حسن" منظور چیزهایی است که از پشم، کرک و موی آنها تهیه می کنند و برای مبارزه با سرما می پوشند، و یا بسان فرش و روانداز از آنها بهره ور می گردند.»^۴

همچنین به ایجاد منزل با استفاده از پوست حیوانات اشاره شده است:

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ﴾^۵

۱- سوره انعام (۸) آیه ۶۰.

۲- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۲۷۷.

۳- سوره نحل (۱۶) آیه ۵.

۴- مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۳۹؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۴.

۵- سوره نحل (۱۶) آیه ۸۰.

«خدا برای شما خانه هایتان را محل سکونت و [آرامش] قرار داد، و از پوست حیوانات نیز برای شما خانه هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به آسانی می توانید آنها را جابه جا کنید و از پشم و کرک و موی آنها، برای شما اثاث و مسائل مختلف زندگی تا زمان معینی قرار داد.»

۵- استفاده درمانی

عسل فرآورده ای از حیوان (زنبور عسل) است که قرآن کریم می فرماید: ﴿فسیه شفاء للناس﴾^۱

علامه طبهرسی در ذیل این آیه بعد از نقل اقوال می نویسد:

«قوی ترین قول این است که عسل داروی دردهای مردم است و شفای دردهایی است که بتوان از آن برای درمان آن بیماری ها بهره گرفت.»^۲

اخیراً در پژوهشی علمی، شیمیدانان چینی موفق به کشف ماده ای در "مورچه ها" شده اند که در درمان "آرتрит" و دیگر بیماریها در انسان ها مفید است. این ماده که در گونه خاصی از مورچه ها شناسایی شده، تاثیرات شگفت انگیزی در زمینه مقابله با آرتريت (عارضه التهاب مفاصل)، هیپاتیت و سایر بیماریها از خود نشان داده است. این مورچه طبعی با سم مورد استفاده قرار می گیرد و در مجله علمی "نیچر پوداکت" منتشر شده است.^۳

تقسیم بندی دیگر از جنبندگان

قرآن کریم در یکی از آیات به تقسیم بندی کلی جنبندگان به سه دسته "خزندگان" و "پرنندگان و انسان" و "مهره داران" می پردازد:

﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ

۱- همان، آیه ۶۹.

۲- مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۷۷.

۳- کیهان، ۲۰ مرداد ۱۳۸۷ ش، ص ۷.

يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ
اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾

«خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند، خداوند هر چه را بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست.»

«علی بن ابراهیم روایتی در ذیل آیه از امام معصوم نقل می‌کند که می‌فرماید:

«حیواناتی که بر دو پا راه می‌روند، انسان‌ها [و پرندگان^۲] هستند، و آنان که بر شکم راه می‌روند، خزندگان یعنی مارها هستند و آنان که بر چهار پا راه می‌روند، مهره داران یعنی چهار پایان هستند.»

و امام صادق - علیه السلام - می‌افزاید:

«بعضی دیگر از حیوانات هستند که با بیشتر از چهار پا راه می‌روند.»^۳

نویسندگان^۴ از این آیه درباره تکامل موجودات در دوره‌های متعدد، استفاده می‌کنند و می‌گویند: تحقیقات علمی درباره تکامل موجودات دقیقاً چیزی را اعلام می‌کنند که آیات قرآن از جمله این آیه به آن اشاره کرده است.

آیت الله مصباح یزدی این فرضیه را با دو دلیل رد می‌کند:

اولاً معلوم نیست این ترتیب زمانی باشد؛

ثانیاً تبدیل حیوان دو پا به چهار پا، بنابر فرضیه تکامل نیز، غیر قابل قبول است، [زیرا]: انسان از حیواناتی است که روی دو پا راه می‌رود. آیا اول حیوانات دو پا بوده‌اند و بعد چهار پایان به وجود آمده‌اند؟ نیز دلیلی نداریم که انسان مشمول آیه ﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ﴾ نیست.

۱ - سوره نور (۲۴) آیه ۴۵.

۲ - ر.ک: المیزان؛ روح المعانی.

۳ - تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۳؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۶۰.

۴ - قرآن و طبیعت، ص ۹۹؛ اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۱۵۱؛ گذشته و آینده جهان، بی‌آزار شیرازی.

این گونه برداشتها از قبیل "الغریق یشتبث بکلّ حشیش" است؛ یعنی غریق به هر چوپ پاره و خس و خاشاک چنگ می زند. و گرنه، نه این آیه و نه هیچ آیه دیگر دلیل صحت فرضیه تکامل نیست و هیچ مؤیدی هم ندارد. البته در مورد حیوانات، دلیل نفی تکامل هم نداریم، اما در مورد انسان، دلیل نفی نیز نداریم. ایشان در آخر می افزاید: به هر حال حتی در مورد حیوانات نیز نمی توان این فرضیه را به قرآن کریم نسبت داد.^۱

دسته بندی جدید حیوانات در قرآن کریم

اگر بخواهیم تمامی حیواناتی را که در قرآن کریم ذکری از آنها به میان آمده، در یک دسته بندی جدید محصور کنیم، می توانیم آنها را به گروه های زیر تقسیم کنیم:

اول: بی مهرگان

این موجودات آبی بوده و در آب های شیرین و شور یافت می شوند و بدنشان تنها از دو لایه سلولی داخلی و خارجی تشکیل شده است که از جمله آنها "مرجان" است، قرآن کریم دوبار^۲ از این نوع حیوان بحث کرده است.

دوم: نرم تنان

این جانور همان "لؤلؤ" یی است که در قرآن کریم شش بار از آن نام برده است که به معنای مروارید است.

سوم: بند پایان

تعداد حیوانات این دسته، بیش از سه برابر تعداد حیوانات دیگر دسته هاست،

۱ - معارف قرآن، ج ۱ - ۳، ص ۲۷۶.

۲ - ر.ک: نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن کریم، جلیل ابو الحب، ترجمه تقی متقی، ص ۲۱.

قرآن کریم از حیواناتی نام برده که دو صنف آنها به این دسته بازگشت دارد:

الف: عنکبوتیان؛

ب: حشرات.

قرآن کریم عنکبوت و زندگی آن را به عنوان مثل ذکر کرده و یک سوره را به

نام آن اختصاص داده است و دوبار نیز نام آن تکرار شده است.^۱

بعضی از انواع حشرات و نام آنها که در قرآن ذکر شده عبارتند از:

۱- "الجراد"^۲ یعنی ملخ.

۲- "القمل"^۳ یعنی شپش، کنه.

۳- "دابة الارض"^۴ یعنی مورپانه.

۴- "الفراش"^۵ یعنی پروانه.

۵- "الحل"^۶ یعنی زنبور عسل.

۶- "اللمل"^۷ یعنی مورچه.

۷- "الذباب"^۸ یعنی مگس.

۸- "البعوضة"^۹ یعنی پشه.

چهارم: مهره داران

اصناف چندگانه ای از حیوانات، به دسته مهره داران ملحق می‌شوند، که در قرآن

۱ - سوره طور (۵۲) آیه ۱۲۴ سوره رحمن (۵۵) آیه ۱۲۲ سوره وائمه (۵۶) آیه ۱۲۳ سوره حج

(۲۲) آیه ۱۲۳ سوره فاطر (۳۵) آیه ۱۳۳ سوره انسان (۷۶) آیه ۱۹.

۲ - سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۴۱.

۳ - سوره اعراف (۷) آیه ۱۱۳۳ سوره نمر (۵۴) آیه ۷.

۴ - سوره نحل (۱۶) آیه ۶۸.

۵ - سوره فاعه (۱۰۱) آیه ۴.

۶ - سوره نحل (۱۶) آیه ۶۸.

۷ - سوره نمل (۲۷) آیه ۱۸.

۸ - سوره حج (۲۲) آیه ۷۳.

۹ - سوره بقره (۲) آیه ۲۶.

کریم نمونه هایی از آن ذکر شده است:

- ۱- ماهیان که طبق آمار ۱۲۰/۰۰۰ نوع دارند؛
- ۲- دوزیستان و بهترین مثال برای این صنف "قورباغه" است؛
- ۳- خزندگان، حیوان خزنده ای که از آن ذکری در قرآن رفته، "حیة" و "ثعبان" یا "افعی" که به ترتیب مار، مار بزرگ و مار سمی خطرناک است.

۴- طیور (پرندهگان)

کلمه "طیر" و "طیور" به مناسبت های مختلف در جاهای متعددی از قرآن کریم آمده است؛ اما آن چه از آنها به اسم در این کتاب ذکر شده از سه پرنده تجاوز نمی کند:

یک. "هدهد" ^۶، که در قصه سلیمان نبی و ملکه بلقیس آمده است؛
دو. "غراب" ^۷، به معنای کلاغ در داستان فرزندان حضرت آدم ذکر شده است؛
وقتی قابیل برادرش هابیل را کشت و کلاغی او را به شیوه دفن مردگان رهبری کرد؛

سه. "سلوی" ^۸ به معنای بلدرچین که سه بار در قرآن کریم به عنوان نعمتی الهی بر بنی اسرائیل، یاد شده است، پرنده ای است حلال گوشت.

البته ذکر دو پرنده دیگر نیز در قرآن کریم آمده که عبارتند از:
یک. "جوارح" ^۹، جمع جارح که به معنای جانوران شکاری است و در قرآن

۱- قرآن و طبیعت، ص ۹۲.

۲- سوره اعراف (۷) آیه ۱۳۳.

۳- سوره طه (۲۰) آیه ۲۰.

۴- سوره اعراف (۷) آیه ۱۰۷؛ سوره شعراء (۲۶) آیه ۳۲.

۵- این کلمه به معنای «پرنده» ۲۱ بار در آیات مختلف دیده می شود.

۶- سوره نمل (۲۷) آیه ۲۰.

۷- سوره مائده (۵) آیه ۳۱.

۸- سوره بقره (۲) آیه ۵۷؛ سوره اعراف (۷) آیه ۱۶۰؛ سوره طه (۲۰) آیه ۸۰.

۹- سوره مائده (۵) آیه ۴.

کریم از آن در کنار سگ شکاری و مانند آن یاد می‌کند؛
دو. "آبَابیل"^۱، این کلمه صفت برای طیر آمده یعنی گروه پرنندگان به سپاه
فیل سواران ابرهه با حمل سنگ ریزه‌ها حمله کردند.

هـ- حیوانات شیرده (پستانداران)

ذکر حیوانات این صنف در قرآن کریم از تمامی اصناف دیگر بیشتر است؛ زیرا از
مهم‌ترین حیوانات زراعی و نزدیک‌ترین آنها به انسان بوده که آدمی از هنگام
شناخت تمدن، آنها را به خدمت خویش گرفته است.

این صنف، چندین راسته از حیوانات را در برمی‌گیرد که بعضی از انواع آنها
در قرآن کریم ذکر شده است:

الف: راسته حیتان

این راسته، شامل حیوانات پستانداری است که بر اثر دگرگونی‌های جسمی
زیاد، قادرند در آب زندگی کنند.

ذکر "حیتان" در چندین جای قرآن کریم آمده اما منظور، همان حیتانی
است که همیشه در کنار نام یونس نبی ذکر شده باشد،^۲ پیامبری که برای مدت
کوتاهی در شکم آن حبس شده بود.

همچنین ذکر "حوت" به اسم "النون"^۳ نیز در قرآن آمده که در اینجا نیز
مقارن نام حضرت یونس است.

ب: راسته سم‌داران

این راسته، خود به دو راسته دیگر تقسیم می‌شود:

۱ - سوره فیل (۱۰۵) آیه ۳.

۲ - سوره صافات (۳۷) آیه ۱۴۲؛ سوره قلم (۶۸) آیه ۴۸.

۳ - سوره انبیاء (۲۱) آیه ۸۷؛ سوره انعام (۶) آیه ۱۴۶.

۱- جفت سمان

۲- فرد سمان

جفت سمان، مجموعه ای از چهار پایالی است که بعضی از آنها حلال گوشتند و بعضی حرام گوشت. اسامی این حیوانات یا به طور صریح در قرآن وارد شده، مانند: "البقرة" ۱ به معنی "گاو"؛ "الاغنام" جمع "غنم" به معنی گوسفند، "الماعز" ۲ به معنی بز، "الابل" ۳ به معنی شتر، "ضان" ۴ به معنی میش، و یا به صورت مستعار و یا با صفات خاصی مانند: "قلائد" ۵ به معنای شتر یا گاو قربانی؛ "منخلقة" ۶، "موقوذة" ۷، "متردیه" ۸، "نطیحة" ۹، "ذبح" ۱۰، "بذن" ۱۱، "هدی" ۱۱، "جمالات صفر" ۱۲، "ذلول" ۱۳، "حمز مستنفره" ۱۴، و "کنس" ۱۵.

این حیوانات به عنوان "ماشیه" یا "انعام" ۱۶، پر استعمال ترین چهار پایالی است که در قرآن ذکر شده، این امر، یا به سبب اهمیت اقتصادی این حیوانات است و یا به سبب ارتباط آنها با عرب مسافر. فقط یکی دیگر از حیوانات "جفت سمان" باقی مانده است و حرام گوشت

-
- ۱- سوره انعام (۶) آیه ۱۲۴، ۱۲۶ سوره بقره (۲) آیه ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱ سوره یوسف (۱۲) آیه ۴۳، ۴۶.
 - ۲- سوره انعام (۶) آیه ۱۴۳.
 - ۳- همان، آیه ۱۱۲۴ سوره ذاریات (۵۱) آیه ۴۲ سوره غاشیه (۸۸) آیه ۱۷.
 - ۴- سوره انعام (۶) آیه ۱۴۳.
 - ۵- سوره مائده (۵) آیه ۲، ۹۷.
 - ۶- سوره مائده (۵) آیه ۳.
 - ۷- همان.
 - ۸- همان.
 - ۹- سوره صافات (۳۷) آیه ۱۰۷.
 - ۱۰- سوره حج (۲۲) آیه ۲۳.
 - ۱۱- سوره بقره (۲) آیه ۱۹۶ سوره مائده (۵) آیه ۲، ۹۵، ۹۷.
 - ۱۲- سوره مرسلات (۷۷) آیه ۳۳.
 - ۱۳- سوره بقره (۲) آیه ۷۱.
 - ۱۴- سوره مدثر (۷۴) آیه ۵۰.
 - ۱۵- سوره تکوین (۸۱) آیه ۱۶.
 - ۱۶- ۳۳ بار در قرآن.

هست و آن "خنزیر"^۱ به معنای خوک است که در قرآن کریم بارها از آن نام برده شده است.

خنزیری که منظور قرآن است، بی تردید خنزیری بڑی است؛ زیرا عرب به پرورش و اصلاح نژاد آن نمی پرداخته است، هر چند امروز در کشورهای غربی از رواج فوق العاده ای برخوردار است.

دومین دسته سم‌داران، راسته "فرد سمان" است، مثل خانواده اسب که اسب و الاغ و قاطر را شامل است.

از "اسب" در قرآن به صورت صریح، مستعار و گاه مجازی، یعنی با اشاره به صفات مخصوص و در نهایت زیبا، یاد شده است؛ صفت‌هایی که روحیه عرب بادیه نشین از شنیدنش به شادی می‌گراید. مثلاً "خیول" جمع "خیل"^۲ اسب، را گاه به "عادیات"^۳ به معنای اسبان تازنده، گاه به "مغیرات"^۴ به معنای هجوم برندگان، گاه به "موریات"^۵ به معنای شعله برانگیزندگان با کوبش سم و گاه به "جاریات"^۶ به معنای روندگان به نرمی آب، توصیف می‌کند.

دو حیوان دیگر با اهمیت در این مجموعه، عبارتند از: "حمیر"^۷ الاغ و "بغال"^۸ قاطر یا استر، که هر دو از حیوانات مهم اقتصادی به شمار می‌روند. و هر دو نیز در قرآن کریم ذکر شده است.

۱ - سوره مائده (۵) آیه ۳، ۶۰؛ سوره نحل (۱۶) آیه ۱۱۵.

۲ - سوره اسراء (۱۷) آیه ۶۴؛ سوره آل عمران (۳) آیه ۱۴؛ سوره انفال (۸) آیه ۶۰؛ سوره نحل (۱۶) آیه ۸؛ سوره حشر (۵۹) آیه ۶.

۳ - سوره عادیات (۱۰۱) آیه ۱.

۴ - همان، آیه ۳.

۵ - همان، آیه ۲.

۶ - سوره ذاریات (۵۱) آیه ۳.

۷ - سوره بقره (۲) آیه ۲۵۹؛ سوره جمعه (۶۲) آیه ۵؛ سوره مدثر (۷۴) آیه ۵۰؛ سوره لقمان (۳۱)

ایه ۱۹؛ سوره نحل (۱۶) آیه ۸.

۸ - سوره نحل (۱۶) آیه ۸.

ج: گوشت خواران

این راسته، شامل حیواناتی است که دارای دندان های تیزی بوده و از گوشت تغذیه می کنند، در قرآن ذکرشان آمده و به خانواده های زیر باز می گردند:

۱- خانواده سگ ها که گرگ را هم شامل می شود؛

۲- خانواده گربه ها که شامل گربه، یوزپلنگ و شیر می شود. به طوری که از این دو خانواده فقط خانواده های سگ ها در قرآن کریم نامی به میان آمده^۱ ولی ذکری از خانواده گربه ها به میان نیامده است. سگ، حیوان بسیار قانع و صبوری است و بیشترین یاد کرد آن در سوره کهف است؛ سوره ای که در آن، حالت و چگونگی اصحاب کهف که سگی نیز همراهشان بود ذکر شده است.

اما گرگ از حیوانات وحشی و دشمن حیوانات اهلی است. از گرگ، در سوره یوسف ذکری به میان آمده است که برادران یوسف به دروغ گفتند: یوسف را گرگ دریده است.

د: فیل ها

فیل ها، حیوانات منزوی و گوشه گیری هستند و چنان نیست که در هر جا دیده شوند. اما عرب از این حیوان نیز در چرخه زندگی خویش، سود می جستند؛ به خصوص آنان که در قاره آسیا ساکن بوده اند.

ذکر فیل^۲ در سوره ای که نام این سوره است، در مورد جریان حمله لشکر " ابرهه " به مکه آمده است که سوار بر فیل ها برای نابودی کعبه قیام کرد تا مردم دین مسیحیت را قبول کنند.

۱- سوره اعراف (۷) آیه ۱۷۶؛ سوره کهف (۱۸) آیه ۱۸، ۲۳؛ سوره یوسف (۱۲) آیه ۱۳، ۱۴، ۱۷.

۲- سوره فیل (۱۵) آیه ۱.

ه: حیوانات پیشرفته

انسان و میمون، به این راسته از حیوانات منتسب اند. ذکر "انسان" در قرآن کریم فراوان است که تحت عناوین: انسان، بشر، بنی آدم و ناس آمده است. ذکر قرده^۱ در قرآن به منظور تحقیر کسانی است که از راه راست منحرف شدند (کافران و منکران) و خدای نیز بر آنان غضب کرد.

میمون هایی که در قرآن به عنوان "قرده" ذکر شده است، همان حیواناتی هستند که با امثال کامل از دستورات میمون بازها، خودشان را خوار و ذلیل و منزوی کرده اند؛ از این جهت است که صفت "قرده خاستین"^۲ در مورد آن ها به کار رفته است.

خصوصیات بعضی حیوانات

قرآن کریم در بعضی آیات از بعضی حیوانات اعم از چهار پایان، پرندگان و حشرات با وصفی شگرف یاد کرده و انسان را به دقت در آفرینش آنها دعوت کرده است. از این رو به خصوصیات بعضی از آنها به عنوان نمونه اشاره می شود:

۱- دقت در آفرینش "شتر"

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَىٰ الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾^۳

«آیا آنها به شتر نگاه نمی کنند که چگونه آفریده شده است»

با توجه به ویژگی هایی که این حیوان دارد، او را از چهار پایان دیگر جدا می سازد، از جمله خصوصیات این حیوان عبارتند از:^۴

۱ - سوره بقره (۲) آیه ۶۵؛ سوره مائده (۵) آیه ۶۰؛ سوره اعراف (۷) آیه ۱۶۶.

۲ - سوره بقره (۲) آیه ۶۵؛ سوره اعراف (۷) آیه ۱۶۶.

۳ - سوره غاشیه (۸۸) آیه ۱۷.

۴ - ر.ک: پیام قرآن، ج ۲، ص ۴۰۶.

۱- مقاومت شتر، بی نظیر است، مخصوصاً در مقابل گرسنگی تحمل بسیار دارد و در برابر تشنگی که از آن سخت تر است، گاه تا ده روز یا بیشتر مقاومت می‌کند و به همین دلیل، بهترین مرکب برای پیمودن بیابانهای خشک و سوزان است، از این رو آن را "کشتی بیابان" نام داده‌اند.

۲- او در تغذیه، مقید به نوع خاصی از غذا نیست، غالباً از تمام آنچه در بیابانها می‌روید، استفاده می‌کند.

۳- از آن عجیب تر این که در میان طوفانهای پر گرد و غبار، مملو از شن که چشم و گوش انسان را کور و کر می‌کند، می‌تواند به راه خود ادامه دهد، او می‌تواند سوراخ بینی خود را موقتاً ببندد و گوشهای خود را از گرد و غبار شن مصون دارد، چشم او دارای دو پلک است، که در این مواقع، یکی را بر هم می‌نهد، و از پشت آن می‌بیند، و این که بعضی گفته‌اند شتر با چشم بسته راه می‌رود، اشتباه است. حتی بعضی مفسران نوشته‌اند در شبهای کاملاً تاریک نیز به خوبی راه را ادامه می‌دهد بدون این که کوچکترین انحرافی رخ دهد.

۴- چهار پایان مختلف اند و منافع مخصوص به خودشان دارند. مثلاً بعضی منافع گوشتی، بعضی منافع سواری، بعضی هم منافع شیر دهی و بعضی نیز منافع باربری، ولی در شتر این چهار جهت، جمع است.

۵- از عجایب استثنایی دیگر این حیوان این است که بر خلاف چهار پایان دیگر هنگامی که نشسته است بارها را بر او می‌نهند یا سوار می‌شوند و با یک حرکت از جا بر می‌خیزد، در حالی که چنین قدرتی در چهار پایان دیگر نیست.

۶- علاوه بر این ها با توجه به ادامه آیه، دعوت به دقت در آفرینش شتر را در کنار آفرینش آسمانها و زمین آورده است، چرا؟

در پاسخ به سوال برخی مفسران از جمله زمخشری، گفته‌اند: چون عربهای بیابانی با اینها (شتران) ارتباط مستقیم داشتند، آنان برای سواری غالباً از اینها استفاده می‌کردند یا در اطراف آنان کوه ها و در زیر پایشان زمین و در بالای

سرشان آسمان قرار داشته است؛ و خداوند از آنان می خواهد که به اطراف خود توجه کنند و درباره آنها تفکر کنند تا به وجود آفریدگار ایمان بیاورند، و اعتراف کنند که ﴿ربنا ما خلقت هذا باطلاً﴾.

بنابر این، با توجه به وضع خاص عرب در زمان نزول آیات، قرار گرفتن شتر در کنار بقیه مخلوقات الهی امری کاملاً طبیعی است.^۱

۲- دقت در آفرینش زنبور عسل

زنبور عسل در قرآن کریم با واژه "نحل" یاد شده است که از ریشه "نحلة" به معنای بخشش بلاعوض است و اگر به زنبور عسل "نحل" گفته می شود بدین سبب است که عطیه و بخشش شیرینی برای عالم انسانیت همراه می آورد.^۲ این واژه فقط یک بار در قرآن کریم^۳ ذکر شده است و آن در سوره ای است که به نام "نحل" نامگذاری شده است.

قرآن کریم در دو آیه سوره نحل به چند قسمت مختلف از زندگی زنبوران عسل اشاره کرده و آن را به صورت وحی و الهام، به آنان دستور می دهد که اینها را انجام دهند و آنان نیز مطابق این وحی الهی، وظیفه خود را به خوبی انجام داده اند و می دهند. آیه چنین است:

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۴

«پروردگار تو به زنبور عسل وحی (الهام غریزی)^۵ کرد که: از کوهها و درختان و داربستهایی که [مردم] می سازند، خانه هایی برگزین، سپس از

۱ - الکشاف، ج ۴، ص ۲۴۷.

۲ - مفردات، راغب اصفهانی، بخش «ن - ح - ل - ـ».

۳ - سوره نحل (۱۶) آیه ۶۸.

۴ - همان، آیه ۶۸ - ۶۹.

۵ - تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۹.

تمام ثمرات [و شیره گلها] بخور و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، به راحتی بپیمای، از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیتی که می‌اندیشند.»

با نگاه به محتوای آیه، مضمون آیه به دو بخش تقسیم می‌شود: یکی دستورات که همان وحی است و دیگری گزارش تهیه عسل، و خود دستورات نیز به بخش خانه‌سازی و پیمودن راه‌ها برای مکیدن شیره گلها، تقسیم شده است. بخش دوم این آیه که همان گزارش تهیه عسل است نیز به سه بخش چگونگی عسل، آثار عسل و آیت و نشانه خدا بودن عسل تقسیم شده است، که در اینجا صرف نظر از تفسیر آیه به بعضی از بخشها اشاراتی خواهد شد.

علامه طبرسی، در ذیل این آیه می‌نویسد: در این حشره پر اسرار و شگفت‌انگیز، درس‌های عبرت و دلایل تفکر انگیزی است، از آن جمله:

۱- نخست این که از این حشره به ظاهر ناتوان و ریز، این ماده شیرین و شفا بخش تولید می‌شود، و اگر درست بیندیشیم گویی هر زنبور عسلی یک کارخانه شگفت‌انگیز برای تولید عسل است؛

۲- این ماده شفا بخش از همان نقطه‌ای خارج می‌شود که نیش می‌زند.

۳- در زندگی بسیار پیچیده و اسرار مرقی و پر نظام و تشکیلات آن، شگفتی و ابتکار و بدایع حیرت‌زایی است که هر کدام درخور مطالعه گسترده است.

۴- شاید شگفت‌انگیزترین راز زندگی زنبور عسل، زندگی اجتماعی و دارای تمدن و نظام و تشکیلات آن است، و این زندگی به گونه‌ای است که برای هر گروهی از آنان رهبر و پیشوا و یا ملکه‌ای است که باید در چهار چوب مقررات گروه و تشکیلات را اداره کند و نظام بخشد.^۱

زیست‌شناسی به نام " مترلینگ " از نظام شهر زنبوران عسل در شگفت آمده می‌گوید: حتی ملکه این شهر نیز از این نظام تبعیت می‌کند و من نمی‌دانم واضح این مقررات کیست، ولی فعلاً به طور موقت آن را به نام " روح کندو " می‌نامیم^۱ ما در پاسخ این دانشمند می‌گوییم، خداوند واضح این مقررات است.

پیمودن راه‌های طولانی این حشره کوچک نیز یکی از عجایب است که خداوند به او دستور پیمودن آن را داده است: ﴿فاسلکی سبل ربک ذللاً﴾

دانشمندی می‌نویسد: برای این که کار پر زحمت این حشره کوچک را درک کنیم کافی است بدانیم که برای هر ۴۰۰ گرم عسلی که به دست ما می‌رسد، زنبور عسل دست کم هشتاد هزار بار از کندو به صحرا رفته و برگشته است که اگر این رفت و آمد را به هم پیوند بزنیم و مسافت هر نوبت آوردن چهار صد گرم عسل را که زنبور می‌پیماید، در یابیم دو برابر محیط کره زمین می‌شود.^۲

طبق محاسبه‌ای برای تهیه یک کیلوگرم عسل، ۷/۵ میلیون گل باید مکیده شود. از این رو، زنبور عسل در هر روز بالغ بر هفده تا بیست و چهار بار برای جمع آوری شیره گلها سفر می‌کند. زنبوران عسل در تمام عمر خود استراحت نمی‌کنند و مطلقاً خواب ندارند، یعنی تمام عمر بیدارند.^۳

در داخل کندو گروه‌های مختلفی از زنبورها فعالیت می‌کنند از جمله: ملکه، زنبورهای نر، زنبورهای کارگر و...، زنبورهای کارگر تماماً ماده بوده، کوچکترین ولی فراوان ترین افراد کندو هستند که تمام فعالیت‌های داخل کندو، از ساختن لانه، پرورش نوزاد، تولید عسل، نظافت کندو، نگهداری از کندو و... به عهده این گروه گذاشته شده است.^۴

۱ - پیام قرآن، ج ۲، ص ۳۸۶؛ به نقل از «زنبور عسل»، مترلینگ.

۲ - شگفتیهای آفرینش، حسین نوری، تهران، نشر برهان، ص ۱۴۳.

۳ - پیام قرآن، ج ۲، ص ۳۸۹.

۴ - نحل العسل فی القرآن الکریم، محمد علی بنین، مصر، مرکز الاهرام، ص ۳۶.

عسل، غذایی مفید و داروی شفا بخش

تاثیر مهم عسل در شفای بیماران، امروز در سایه مطالعات دانشمندان غذا شناس پرده از روی اسرار آن برداشته شده است.

انها برای عسل خواص و آثار بی شماری ذکر کرده اند از جمله:

- ۱- عسل دارای ویتامین های شش گانه آ، ب، ث، د، کا و ای است؛
- ۲- عسل دارای مواد معدنی پتاسیم، آهن، فسفر و نیز انواع مختلف اسیدهاست؛

۳- عسل در خون سازی موثر است؛

۴- عسل برای رفع خستگی و فشرده گی عضلات اثر خوبی دارد؛

۵- عسل از ایجاد عفونت در معده و روده جلوگیری می کند؛

۶- عسل برای زنان بار دار سبب می شود نوزادشان دارای شبکه عصبی قوی

باشد؛

۷- عسل برای کسانی که دستگاه گوارش ضعیفی دارند، مفید است؛

۸- عسل به عنوان داروی معالج رماتیسم، نقصان قوه نمو عضلات و ناراحتی

های عصبی، شناخته شده است؛

۹- عسل به سبب خاصیت میکروب کشی اش برای مبتلایان به اسهال

مفید است؛

۱۰- عسل در معالجه خشکی پوست، ترک خوردگی، سوختگی، ورم چشم

و.... مفید است.^۱

۳- دقت در آفرینش پرندگان

قرآن کریم در یکی از آیات توحیدی، مؤمنان را به مطالعه عالم پرندگان فرا

می خواند تا برای شناخت آفریدگار هستی، آماده شوند:

﴿ أَنْتُمْ يَرْزَأُ إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴾^۱

« آیا آنها به پرندگانی که بر فراز آسمان تسخیر شده اند نظر نمیکنند؟ هیچ کس جز خدای آنها را نگاه نمی دارد، در این نشانه هایی است از عظمت و قدرت خدا [برای کسانی که ایمان می آورند].»

امام صادق - علیه السلام - به شاگردش مفضل می فرماید:

«ای مفضل! در اندام پرندگان و آفرینش آنها اندیشه کن، از آنجا که مقدر شده در هوا پرواز کنند اندام آنها سبک و فشرده آفریده شده، تنها از ستونهای چهارگانه بدن دو ستون را دارند، و از انگشتان پنج گانه به چهار انگشت اکتفا شده، و به جای دو منفذ برای مدفوعات تنها یک منفذ، سینه او محدود و تیز آفریده شده تا به آسانی هوا را بشکافد، همانند سینه کشتی ها که آب را می شکافد، در دو بال و دم او پره های طولانی محکمی است که به وسیله آن قادر بر پرواز می شود، تمام اندامش با پر پوشانیده شده تا هوا در آن داخل شود، و وزنش را نسبت به حجمش سبک کند، و چون مقدر است که طعمه اش دانه یا گوشت باشد و آن را فوراً بلعد و بدون جویدن پرواز کند، دندان از وجود او حذف شده و به جای آن منقاری محکم و تیز و طولانی دارد که از ریودن دانه یا جدا کردن گوشت خسته و ناراحت نمی شود و چون از دندان محروم شده حرارت خاصی در درون او وجود دارد که دانه های درشت را نرم کند (به این ترتیب هاضمه مخصوصی غیر از هاضمه انسانها دارد) آنها معمولاً تخم می گذارند و فرزند نمی زایند، تا به سبب بارداری سنگین نشوند و قادر به

۱ - سوره نحل (۱۶) آیه ۱۷۹ علاوه بر آن ر.ک: سوره ملک (۶۷) آیه ۱۹؛ سوره نور (۲۴) آیه ۴۱؛ سوره انعام (۶) آیه ۳۸.

پرواز باشند.^۱»

امام در ادامه بحث، اشاره به پرنده خاصی نموده می‌فرماید: «آیا این پرنده بلند پا را دیده‌ای؟ و آیا می‌دانی که پای بلندش برای او چه فایده‌ای دارد؟ چون زندگی او بیشتر در آبهای کم عمق است، می‌بینی که او با پاهای بلندش مانند دیدبانی است که روی برج مراقبت قرار گرفته و جانوران آبی را با دقت کنترل می‌کند و چون غذای مناسب خود را مشاهده کرد آهسته به طرفش می‌رود تا آن را بگیرد و طعمه سازد. اگر پایش کوتاه بود وقتی که برای گرفتن صید حرکت می‌کرد شکمش به آب می‌خورد و حرکت آب موجب می‌شد که شکارش از ترس بگریزد. خداوند این دو پای بلند را به این پرنده داده تا به هدفش برسد و شکار از چنگش در نرود.^۲»

با این توضیحاتی که امام در مورد پرندگان ارائه فرمود، سوالی در ذهن آدمی خطور می‌کند که آیا اصولاً پرندگان در مقابل این همه نعمت‌ها و توجهات پروردگار، هیچ عکس‌العملی نشان می‌دهند؟ در پاسخ این سوال باید گفت که بلی آنها نیز نماز و تسبیح دارند و این مطلب را می‌توان در این آیه شریفه دریافت:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهٗ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلِّ قَدِّ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ وَتُسَبِّحُهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾^۳

«آیا ندیدی که برای خداوند تسبیح می‌کنند تمام آنان که در آسمانها و زمین اند و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده اند، هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می‌دانند خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.»

آری هر یک از آنها در عالم خود نماز و راز و نیاز و نیایشی دارند، و هر یک در

۱ - بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۰۳ - ۱۰۶.

۲ - همان.

۳ - سوره نور (۲۴) آیه ۴۱.

عالم تسبیح و تقدیس و ستایشی، اصولاً ذرات وجود هر یک از آنها و ساختمان اعضای مختلف و حرکات و سکناش خبر مبدأ بزرگ می دهد که جامع همه کمالات و منزله از همه نقایص است و آنها با زبان حالشان دائماً مشغول حمد و تسبیح اویند. بلی او همه اعمال و همه برنامه‌ها و تمامی نیازهای آنان را می داند.

۵- دقت در آفرینش عنکبوت

عنکبوت، حیوان معروفی است که در جاهای خشک خانه‌ها و روی نباتات و گیاهان زندگی می‌کند و از حیوانات کوچک دیگری همچون حشرات، تغذیه می‌کند.

خانه عنکبوت، از رشته‌های حریری شکل نازکی که حیوان از شکم خویش ترشح می‌کند، بر پا می‌شود و بافت دقیق و عجیبی دارد، و به دو منظور آن را می‌سازد:

۱- برای به دام انداختن حشرات و حیوانات کوچک؛

۲- پیله سازی برای محافظت از تخم هایش.

یکی از دانشمندان انگلیسی به نام Bristowe می‌گوید: رشته‌هایی که عنکبوت‌های ساکن در مساحت یک "ایکر"^۱ از اراضی کشاورزی بریتانیا در یک روز از روزهای آخر تابستان تولید می‌کنند، به اندازه ای است که تمام کره زمین را احاطه می‌کند و اگر رشته‌های بافته شده در طول ۱۰ روز را در نظر بگیریم، کافی است تا با آن کره زمین و ماه را به همه متصل کنیم!^۲

معمولاً عنکبوت نر ضعیف تر از عنکبوت ماده است و عجیب اینجاست که همین که عنکبوت ماده تمتع جنسی بر گرفت و سرانجام رسید بلافاصله به جان عنکبوت نر می‌افتد و او را پاره پاره می‌کند و بهیضی اوقات خونس را می‌مکد. عنکبوت نر برای فرار از چنگال انتقام جنس مخالف، گاه حیل‌هایی به کار

۱- هر «ایکر» برابر با ۴۰۵۰ متر مربع یا ۴۸۴۰ یارد مربع است.

۲- نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن کریم، ص ۲۴.

می‌برد، به عنوان مثال: عنكبوت نر، مگس یا پشه ای را شکار کرده به لانه عنكبوت ماده می‌برد و به او تعارف می‌کند که از غذای اهدایی صرف‌کند. عنكبوت نر این رشوه را می‌دهد و آرام آرام هنگامی که ماده مشغول خوردن حشره است به سرعت محل را ترک می‌کند و از این طریق خود را از چنگال عنكبوت ماده نجات می‌دهد.^۱

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿... إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ بُيُوتُ الْعَنْكَبُوتِ...﴾^۲

«سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنكبوت است.»

بیشتر مفسران "بیت" را به معنای خانه گرفته‌اند، ولی بعضی مفسران^۳ به سبب شواهد علمی که اگر تارهای عنكبوت را جمع کرده، و آن را به شکل ریسمان در آوریم از محکمترین ریسمانها خواهد شد، پس منظور سستی خانه نیست بلکه سستی در بنای خانواده عنكبوت و الفت در بین آنهاست که در مورد عکس العمل عنكبوت ماده بعد از عمل لقاح عنكبوت نر، توضیح مختصری داده شد و در نتیجه این عکس العملها، نظام خانواده نیز از هم می‌پاشد و به سبب چنین غریزه ای، سست و شکننده خواهد بود.

قرآن کریم این سستی خانه و نظام خانوادگی را به کسانی تشبیه کرده که آنها به دامن کسانی غیر از خدا پناهنده می‌شوند.

شیخ طنطاوی عنكبوت را بنا به دلایلی که می‌آورد، جزء حشرات نمی‌داند.^۴

۱ - نشانه‌های خداوند در طبیعت، ص ۱۲۵.

۲ - سوره عنكبوت (۲۹) آیه ۴۱.

۳ - نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن کریم، ص ۳۶.

۴ - الجواهر، شیخ طنطاری، ج ۱۷، ص ۱۲۷.